دوفصلنامه علمی ـ ترویجی مطالعات تطبیقی قرآن و حدیث
سال چهاردهم/ شماره ۲۶/ بهار و تابستان ۱۴۰۵

Bi-Quarterly Scientific Promotional Journal of Comparative Quran & Hadith
Year 14 / Issue, No 26/ Spring & Summer 2026

بررسی تطبیقی عزت‌مداری قرآنی بر بیانات امام خمینی و مقام معظم رهبری*

□ سیده وحیده رحیمی **
□ زهرا جهان گرد عطار ***

چکیده

عزت غلبه بر موانع برای نیل به والاترین درجات انسانی است. انقلاب اسلامی ایران که قرآن نقشه راه و روشن کننده مسیر آن است با استفاده از رهنمودهای این کتاب آسمانی در پیمودن مسیر صحیح برای رسیدن به عزت واقعی در تکاپو بوده است. در این پژوهش تطابق عزت‌مداری با کلام رهبران انقلاب اسلامی مد نظر است و راه‌های هموار کننده این مسیر با توجه به آیات قرآن در قالب عواملی چون فضل خدا، ایمان، اخلاص و تواضع به عنوان عوامل درونی و جهاد، نصرت، تقویت و قدرت بخشی به عنوان عوامل بیرونی ذکر شده‌اند. موانع درونی چون پرستش غیر خدا، توهم عزت، غرور، تعصب و موانع بیرونی مانند پذیرش ولایت کفار، اختلاف افکنی و درگیری بیان شده است. بهره‌گیری رهبران انقلاب به طور گسترده از مضامین و راهکارهای قرآنی ماحصل مطالب پیش‌رو است.

کلیدواژه‌ها: عزت‌مداری، عزت قرآنی، عزت در کلام امام خمینی، عزت در کلام مقام معظم رهبری، عزت و جهاد تبیین.

---

* تاریخ وصول: ۱۴۰۴/۸/۱۳ تاریخ تصویب: ۱۴۰۵/۴/۲۰.

*** دکترای تخصصی تفسیر و علوم قرآن/ دانشگاه قم (s.v.rahimi@yahoo.com).
** کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآن/ دانشگاه قم (نویسنده مسئول) (zjahangardatar@gmail.com).

مقدمه

عزت در عین ذاتی بودن برای خداوند «فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمیعا» موهبتی عرضی برای بندگان است «و لله العزه و لرسوله و للمؤمنین». سجده فرشتگان نشان از جایگاه ویژه انسان و برتری او بر سایر موجودات است «**وَ لَقَدْ کَرَّمْنا بَنی آدَم**». مؤمن دین را همراه با عزت دارد «دین و عزتمندی قرین یکدیگرند. دین اساس و عزت نگهبان آن است» (راغب، ۱۳۷۳: ۱۳۵ - ۱۳۶).

هدف اصلی در این پژوهش واکاوی موضوع عزت در قرآن مطابقت مباحث عزت با کلام بنیان‌گذار جمهوری اسلامی و مقام معظم رهبری است.

اهمیت پرداختن به این موضوع از آن جهت است که اطاعت‌پذیری مردم به عنوان ملتزمان به اسلام و قرآن به زمامداران جامعه بیشتر شود. همچنین زمانی که رهبران امت اسلامی در کلام خود مسائل جامعه را با آیات قرآن تطبیق می‌دهند علاوه بر فهم بهتر آیات، مسائل و مشکلات جامعه نیز با راهکارهای قرآنی برطرف می‌شود.

این پژوهش در پی پاسخ به سؤال اصلی پیرامون راه‌های نیل به عزت بر مبنای قرآن و سؤال فرعی میزان تطابق با بیانات رهبران جمهوری اسلامی ایران است.

روش این پژوهش تحلیلی توصیفی تبیینی بوده و با استخراج مبانی نظری امام خمینی و مقام معظم رهبری به مطابقت کلام این دو بزرگوار با قرآن کریم در حوزه عزت‌مداری پرداخته شده است. در این راستا تلاش شده تمام محورهای بحث به صورت کاربردی و عملیاتی شده در سطح جامعه ارائه شود.

پیشینه

آثاری که حول عزت قرآنی به رشته تحریر در آمده عبارتند از:

پژوهش‌هایی که مبانی عزتمندی را تنها با آیات قرآن بررسی کرده‌اند خلیلی (۱۳۹۷)، طالبی (۱۳۹۸)، کریم‌خانی (۱۳۹۹)، جوادی‌فر (۱۳۹۷) و رفیعیان (۱۳۹۸).

آثاری که علاوه بر قرآن عزت را با تطابق در حوزه‌های دیگر مورد توجه قرار داده‌اند. علوی (۱۳۸۶) بررسی عزت در قرآن و نهج‌البلاغه، جابر ورزنه (۱۳۸۸) تحلیل کرامت و عزت در قرآن و روان‌شناسی.

با توجه به اینکه عزت‌مداری در سطح اجتماع نمود فراوانی دارد و فقدان آن تبعات جبران‌ناپذیری تا نابودی جامعه در پی خواهد داشت. پژوهش پیش رو سعی دارد با کنکاش در آیات قرآن و مطابقت آن با کلام رهبران جامعه اسلامی خلأ برخورد عزتمندانه را در رفتارهای سیاسی و اجتماعی افراد جامعه با ارائه الگوی مناسب و کاربردی مورد توجه قرار دهد.

یافته‌های پژوهش

عزت در اصل به معنای شکست‌ناپذیری و تسلط است (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۷۶/۱، ابن فارس، بی‌تا: ۳۹/۴) و معانی چون سختی (فیروزآبادی، ۱۴۱۲: ۶۵/۴) و نادر بودن (راغب، ۱۳۶۹: ۲/ ۵۹۱) فرع بر معنای اصلی است. رابطه معنای اصلی با معانی فرعی از این جهت است که عزت با صلابت و ندرت همراه است.

«**إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ**» (یونس/۶۵). در آیه ۱۴ یس «فَعَزَّزْنا» عزتمندی به معنای تقویت و حمایت است که منجر به غلبه می‌شود.

یکی از مشتقات رایج عزت واژه «عزیز» است ««عزیز» به چیزی اشاره دارد که کمیاب بوده و شدیداً به آن نیاز است و دستیابی به آن دشوار است. کمال در قلت وجود، شدت حاجت و دشواری دستیابی به کنه آن تنها در مورد خداوند صدق می‌کند» (عجم، ۲۰۰۰: ۴۵۳ - ۴۵۴) خداوند یگانه و عزیز مطلق است (فاطر: ۱۰)، خزاین رحمت برای رفع نیاز مخلوقات در دستان اوست (ص: ۹) و هیچ‌کس توانایی درک (انعام: ۱۰۳) و توصیف او را ندارد (صافات: ۱۸۰).

در تحلیل معنایی عزت در کلام امام خمینی باید به شبکه و زنجیره الفاظ همراه عزت توجه شود. این الفاظ که از مفاهیم قرآن برگرفته شده‌اند، شامل واژگانی چون کرامت، شرف و اعتبار هستند که هرچند جامعیت عزت را ندارند، ولی معانی برتری را در بردارند. کرامت (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۳۲۷/۲۰ - ۳۲۸) برتری بدون در نظر گرفتن غیر (مصطفوی، ۱۳۷۸: ۴۶/۱۰)، شرف (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۶۹/۲۱) برتری (ابن فارس، ۱۳۹۹: ۳/ ۲۶۳) و غلبه (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۲۵۲/۶) بدون معنای شکست‌ناپذیری و اعتبار (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۹۲/۲۱)، انتخاب صحیح با عبرت از امور بیرونی است (مصطفوی، ۱۳۷۸: ۱۸/۸)،که تعالی فرد معتبر را نشان می‌دهد.

در کلام مقام معظم رهبری نیز این واژگان برای تکمیل معنای یکدیگر در کنار هم به کار می‌روند (بیانات در دیدار مسئولان نظام ۱۴۰۱/۷/۲۲). ایشان عزت الهی را سیطره قدرت پروردگار بر همه عالم (بیانات مقام معظم رهبری نماز جمعه تهران، ۱۴۰۳/۰۷/۱۳) و به تعبیری شکست‌ناپذیری می‌دانند «الغالب الذی لا یغلب» (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۳۹۵) و عزت بندگان را نفوذناپذیری تفسیر می‌کنند به گونه‌ای که جامعه اسلامی با حصار اسلام (همان: ۵۴۸) مانع نفوذ دشمنان و ذلت در برخوردهای بین‌المللی شود (بیانات در دیدار مسئولان نظام ۱۳۶۸/۱۱/۹) .

عوامل عزت‌آفرینی

با توجه به عزتی که خداوند برای بندگانش مقرر فرموده (منافقون: ۸) مؤمنان با آیات الهی به عوامل دستیابی عزت خواهند رسید چرا که سراسر قرآن هدایت به استوارترین راه‌های منتهی به عزت را ارائه می‌دهد (اسرا: ۹).

عوامل فردی و درونی

عزت زندگی فردی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. انسانی که درون خود عزیز نباشد نمی‌تواند در عرصه اجتماع به عزت برسد. عوامل فردی شامل موارد زیر هستند:

۱. کرامت و فضیلت‌بخشی

خداوند با خلقت انسان به او تفضلی ویژه داشته است«**وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بنی آدم... وَفَضَّلْنَاهُمْ**» (اسرا: ۷۰) تکریم مفهومی شخصی جدای از دیگران بوده، در حالی که تفضیل معنای برتری شخص مورد تفضیل از دیگران است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۱۴/۱۳).

تکریم و تفضیل موهبتی است که برخلاف عزت با خلقت به تمام انسان‌ها عطا شده‌اند خدای کریم در مقام تفضل در نهایت قدرت هر کس را بخواهد عزیز و با غلبه دشمن ذلیل می‌کند (طبری، ۱۴۱۲: ۱۴۹/۳). «**تُعِزُّ مَنْ تَشاءُ وَ تُذِلُّ مَنْ تَشاءُ**» (آل عمران: ۲۶).

پیروزی و عزت ملت ایران تفضلی بود که خداوند پس از مجاهدت مردم به آنها عطا

نمود. هر چند نمود اجتماعی این لطف خداوند بیش از جنبه فردی آن است اما آغاز این مسیر از روحیه عزت‌طلبی فردی بود که رهبری جریان ظلم‌ستیز را به دست گرفت و افراد جامعه را به سوی تحولی بزرگ سوق داد.

امام خمینی سربلندی و عزت مردم ایران در رهایی از رژیم فاسد و تحول مردم برای خدمت به اسلام را تفضلی از جانب پروردگار می‌دانند (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۷/ ۱۱۷- ۱۱۸).

مقام معظم رهبری تفضل را نتیجه‌ای فراتر از ثواب عمل می‌دانند «فضل این است که علاوه بر آن ثواب، یک چیز دیگر هم به شما می‌دهند.» (بیانات در دیدار اعضای ستاد کنگره شهدای یزد، ۱۳۹۹/۱۲/۲۵). چنانچه عزت تفضلی است فراتر از نتیجه عمل. ایشان راه عزتمندی را توکل به خدایی می‌دانند که اسباب عالم به دست اوست «**ذَلَّتْ لِقُدْرَتِكَ الصِّعابُ، وَ تَسَبَّبَتْ بِلُطْفِكَ الْاَسْبابُ**» (امام سجاد علیه‌السلام، ۱۳۸۶: ۳۹) و ناظر بر احوال انسان است «به خدایی که تضمین کننده غلبه حق بر باطل است، توکل کن. «الّذی یریک حین تقوم؛ او ناظر به حال توست» (بیانات در سالگرد رحلت امام خمینی رحمه‌الله ۱۳۹۱/۰۳/۱۴). اراده و تفضل الهی علت تامه منتهی به عزت است «**مَنْ كانَ يريدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَميعاً**» (فاطر: ۱۰).

۲. اخلاص

اخلاص که ملازم با تفضل الهی است بر عوامل عزتمداری سایه افکنده است. چرا که فقدان اخلاص اثربخشی عمل را خدشه دار می‌کند « (بقره:۲۶۴) و تأثیر آن تا حدی است که حتی اگر نور اخلاص بر توبه گنهکار بتابد او را از ذلت معصیت به عزت جاودان می‌رساند (تحریم:۸).

ایمان نور است چنانچه با اخلاص مزین شود زرهی پولادین بر قلب مؤمن می‌افکند که هیچ ناملایمتی او را دچار ارتداد و عقب گرد نخواهد کرد لذا شیطان چندین مرتبه به عزت الهی قسم خورد که حریف مخلص نمی‌شود «**قالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعينَ * اِلّا عِبادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصين**» (ص: ۸۲- ۸۳) خلوص یوسف با لطف پرودگار او را از معصیت باز داشت (یوسف: ۲۴). اگر یوسف به خواسته زلیخا پاسخ مثبت می‌داد عزیزتر به نظر می‌رسید اما اخلاص او را از عزت پوشالی زلیخا رها ساخت و با تمکین الهی به عزت حقیقی رسید (همان: ۵۶).

امام اخلاص را تقویت روحیه (بقره:۱۱۲) و قدرتی می‌دانند که مدعیان قدرت یارای مقابله با آن را ندارند و این همان عزتی است که همه به دنبال آن هستند. «اخلاص روحیه شما را بالا می‌برد که هیچ قدرتی نمی‌تواند مقابله بکند» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۷۷/۲۰ - ۷۸).

پیروزی انقلاب و دوام آن ثمره مجاهدت و اخلاص مردانی است که چشم داشتی به مقام دنیوی نداشتند. دلاور مردانی چون سردار سلیمانی که با خلوص قدم در راه مبارزه گذاشتند، خداوند نیز آنها را شجاع و شکست‌ناپذیر کرد و به قله عزت رساند چنان‌که مرکز نگاه دنیا شدند و این مرکزیت همان عزت است.

مقام معظم رهبری مکتب حاج قاسم را با «صدق» و «اخلاص» شرح می‌دهند: «مکتب سلیمانی» عبارت است از «صدق» و «اخلاص». «**مِنَ الْمُؤمِنینَ رِجالٌ صَدَقوا** ...» در نبود اخلاص کار بی‌برکت می‌شود او از دیده شدن فرار می‌کرد، حالا همه دنیا او را می‌بینند؛» (بیانات در دیدار خانواده و ستاد سالگرد شهید سلیمانی۱۴۰۰/۱۰/۱۱).

امام خمینی در رابطه اخلاص و برکت بیان می‌کنند «آنچه حجم عمل را زیاد می‌کند، اخلاص است. اخلاص روح عمل است» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۴۵/۱۰)عمل مخلصانه برای پاداش محدود دنیوی نیست بلکه برای رضای پروردگار و جزای بی‌حد و حصر اخروی است (صافات: ۳۹ - ۴۰)نقطه توقفی برایش وجود ندارد و همین امر برکت کار را مضاعف و پاداش اخروی را چندین برابر و صاحب عمل را به عزت معهود نزدیکتر می‌کند.

۳. ایمان

ایمان اذعان و تصدیق به چیزی و التزام به لوازم آن است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲/۱۵). ایمانی خالص که تنها بر روی زبان نباشد بلکه تمام اعضا و جوارح آینه‌ای از باور قلبی بوده و اعمال و گفتار انسان را تحت تأثیر خود قرار دهد.

خداوند در قرآن کریم پس از اثبات عزت برای خود و رسولش کسانی را شایسته آویختن مدال عزت می‌داند که مزین به زینت ایمان باشند «**وَ لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنینَ**» . ایمانی که با ایجاد اعتقاد راسخ به منبع عزت انسان را از سرفرود آوردن در مقابل معبودان دروغین و ذلت در برابر مستکبران باز می‌دارد.

ایمان هرچند باور درونی و قلبی است اما اگر در رگهای جامعه جریان یابد چنان امیدی ایجاد می‌کند که راه هر گونه سستی و خمودگی را بسته و انگیزه‌ها را برای رسیدن به قله عزت به جوشش درمی‌آورد «**أَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِين**» (آل عمران: ۱۳۹). دوام عزت و برتری با تداوم ایمان میسر است چرا که ایمان ملازم با تقوا و صبر است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴/ ۴۰). تقوا در دوری از پلیدی‌ها و صبر در انجام عبادات. از این رو تمام ارکان حیات انسان را تحت تأثیر قرار داده و منحصر به اعتقاد قلبی نمی‌شود.

امام خمینی ایمانی که با شهادتین بر زبان جاری شده و به قلب رسوخ می‌کند مایه فلاح و پیروزی می‌دانند «اسلام شهادتین است. اگر باور کردید خدا قادر است نه حزنی است و نه سستی. ملت به واسطه همین ایمان این سدی که باورکردنی نبود شکست داد» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۸/ ۱۶۵).

مقام معظم رهبری نفس ایمان را عزت‌آفرین می‌دانند: ««**و لا تهنوا و لا تحزنوا و انتم الاعلون ان کنتم مؤمنین**». خود ایمان به معنای علو است؛ نفس ایمان علوآور و عزت‌آور است» (بیانات در مراسم بیست و سومین سالگرد رحلت امام خمینی﵀ ۹۱/۳/۱۴). ایشان ایمان قلبی و عملی را عامل غلبه بر هر مانعی به شمار می‌آورند «اگر ایمان در دل و عمل وجود داشته باشد، کوه‌ها هموار خواهد شد» (بیانات در مراسم شب خاطره دفاع مقدس ۹۶/۳/۳)این هموار شدن کوه‌ها بر گرفته از مضامین قرآنی در کلام رهبری نور افکنی می‌کند.

۴. تواضع

مؤمن آگاه به جایگاه خود بوده و در برابر عظمت خالق هستی خاشع است. این خشوع مانع استکبار در عبودیت شده و بشارت بهشت و رستگاری را به دنبال دارد (هود: ۲۳).

ثمره این خشوع، در وجه دیگر تواضع مقابل کسانی است که با ایمان سر تعظیم به درگاه الهی فرود آورده‌اند «**أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكافِرِين**» (مائده: ۵۴). آیه تواضع را مستقیم به عنوان راه رسیدن به عزت نمی‌داند، اما با توجه به اینکه «**أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ**» قبل از «**أَعِزَّةٍ عَلَى الْكافِرِين**» آمده، می‌توان تواضع در برابر مؤمنین را مقدمه‌ای برای عزتمندی در برابر کفاری دانست که مقابل عزت و عظمت پروردگار گردن‌کشی کرده‌اند.

همنشینی انسان متواضع با مردم او را عزیز و محبوب می‌کند. حرف (علی) در آیه ۵۴ مائده نشان برتری از جهت منصب است (رازی، ۱۴۰۸: ۱۲/ ۳۸۲) چرا که تواضع کسی که شأنی در میان مردم ندارد ارزش چندانی ندارد.

امام خمینی تواضع را آگاهی انسان از جایگاه خود و پروردگار می‌دانند که نتیجه‌اش کمال و عزت نفس است «تواضع مبداش علم بالله و علم به نفس است، و غایتش کرامت خدا و کمال نفسانی است» (امام خمینی، ۱۳۸۸: ۳۳۶).

مقام معظم رهبری با اشاره به آیه ۵۴ مائده تواضع در برابر مؤمنان که اقتدار در مقابل کفار را در پی دارد از نشانه‌های ایمان می‌شمارند «علایم ایمان با بندگان خدا خوب بودن، با دشمنان خدا سرسخت بودن است،. «اذلّة علی المؤمنین» (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم۱۳۶۹/۳/۲) کسی که با درک عظمت پروردگار به او ایمان می‌آورد و در برابر او و بندگان صالحش خاشع است قدرت کفار در نظرش پوشالی بوده و با صلابت در مقابل آنان به عزت و سربلندی می‌رسد.

عوامل اجتماعی و بیرونی

مؤمن موجودی اجتماعی و تأثیرگذار در جامعه است . مؤمن عزت مدار، موجبات انتقال این عزت‌مداری را به پیرامون خود فراهم می‌کند. او این نیرو را در قالبی محکم به دیگران القا می‌کند و این مجاهدت را در تمام حیات دنیوی دنبال می‌کند.

۱. جهاد

جهاد به معنای تلاش و مبالغه در کار برای به نهایت رسیدن چیزی به قدر طاقت و توانایی است (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۳۸۶/۳). مهم‌ترین مفهوم اصطلاحی آن مبارزه کردن در راه خدا با جان و مال در نبرد با کافران با هدف اعتلای اسلام و برپا داشتن شعائر یا دفاع از آن است (نجفی، ۱۳۶۲: ۳/۲۱). جهاد در عرصه اجتماع شامل جهاد نظامی، سیاسی و فرهنگی است. کار سیاسی باید پشتوانه نظامی داشته باشد و هر دوی اینها بدون کار فرهنگی بی‌ثمر خواهد بود

(بیانات در دیدار اعضای حزب وحدت اسلامی افغانستان، ۱۳۶۹/۱۰/۲۲). به عبارتی فرهنگ جهاد و مجاهدت ظرفیتی است که در صورت نهادینه شدن می‌تواند در تمام عرصه‌ها نمودار شود و افراد با توجه به جایگاه خود می‌توانند طلایه دارد مجاهدت در جامعه شده و دیگران را در این مسیر همراه خود کنند.

خداوند در سوره مائده وصف قومی را می‌کند که سخت گیر با کفارند و واژه «أَعِزَّةٍ» ترسیم شدت اقتدار و صلابت آنان است «**أَعِزَّةٍ عَلَى الْكافِرين**» که با جهاد نمودار می‌شود: «**يجاهِدُونَ فی سَبيلِ اللَّه**» (طوسی، بی‌تا: ۳/ ۵۵۶).

افزون برآن مسلمین با جهاد کافران را از منجلاب کفر نجات می‌دهند.

امام خمینی اهمیت جهاد و عواقب ذلت بار ترک آن این‌گونه بیان می‌کنند: «**احَبَّ اليَكُم مِنَ اللهِ وَ رَسُولِهِ وَ جِهادٍ فی سَبيلِهِ** (توبه/۲۴) بعد از حبّ خدا و رسولﷺ را ذکر فرموده که حافظ اصول است که در صورت ترک، عواقب آن ذلت و اسارت و بر باد رفتن ارزش‌ها است (نور: ۶۳؛ امام خمینی، ۱۳۷۸: ۳۱۲/۲۰ -۳۱۳).

مقام معظم رهبری جهاد را کوشش همراه با مبارزه می‌دانند (بیانات در دیدار از پژوهشکده رویان، ۸۶/۴/۲۵) جهادی که علاوه پیروزی در عرصه نبرد هدایت و به تبع آن عزت اخروی را به همراه دارد: «هرگاه این مجاهدت باشد، هدایت الهی هم هست **وَالَّذينَ جاهَدوا فينا لَنَهدِيَنَّهُم سُبُلَنا**؛ موفّقیّت و پیشرفت هم خواهد بود» (بیانات در ارتباط با مردم آذربایجان شرقی، ۱۳۹۹/۱۱/۲۹). «سبلنا» راه‌هایی است که آدمی را به خدا نزدیک و هدایت می‌کند. خود جهاد هدایت است قهراً هدایت به سوی سبل هدایت روی هدایت خواهد بود (طباطبایی، ۱۳۷٤: ۲۲۸/۱٦).

فرهنگ مجاهدت سبب جوشش و پویایی جامعه شده و افراد را از خمودگی و فرو رفتن در زندگی روزمره می‌رهاند تا کنار هم رشد و تعالی جامعه را برای جهش به آینده‌ای عزتمندانه رقم بزنند.

فرهنگ جهاد روحیه افراد را سرسخت و مقاوم بار می‌آورد که به صورت پیکره واحدی از مقاومت در مقابل دشمنان قد علم کنند و «جبهه مقاومت» را تشکیل دهند. جبهه‌ای که با استقامت معادلات را چنان در جهت پیروزی و عزت مجاهدان فی سبیل‌الله تغییر می‌دهد

که همه را به حیرت وامی‌دارد «تجربه‌ای که ما داریم این است که مسلمان‌ها ـ ولو اینکه یک عدهٔ کمی باشند ـ وقتی در مقابل خصم خودشان مقاومت کنند، اگرچه خصم آنان ابر قدرت‌ها هم باشند پیروزند. «**كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَليلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثيرَةً بِإِذْنِ اللَّه**» (بقره: ۲۴۹؛ امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۰/ ۴۸۴).

نمونه تمام‌عیار مقاومت مجاهدانه مردم فلسطین و غزه هستند که از عزت درونی خود با ایستادگی بی‌بدیل در میدان مبارزه با صهیونیسم صیانت کرده و به پیروزی نهایی خواهند رسید «اینکه رژیم صهیونیستی با آن همه‌ساز و برگ نظامی، اقدام به کشتار می‌کند، نشان می‌دهد این رژیم قادر به مقابله با نیروهای مقاومت به‌فضل الهی شما پیروزی نهایی مردم غزه را خواهید دید» (دیدار دبیرکل جنبش جهاد اسلامی فلسطین و هیئت همراه با رهبر انقلاب ۱۴۰۳/۱/۹) «**يا مَنْ قَرُبَتْ نُصْرَتُهُ مِنَ الْمَظْلُومينَ**» (امام سجاد علیه السلام، ۵۴/۱۳۸۶).

۲. نصرت

جهاد و استقامت در راه اعتلا و یاری دین خدا نصرت پروردگار در عقبه‌های سخت و مشکلات سهمگین را به دنبال دارد «**إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُم و يثبِّت اقدامكم**» (محمد: ۷) خداوند با فراهم نمودن اسباب غلبه «**فَعَزَّزْنا بِثالِثٍ**» (یس: ۱۴) نصرتی به مؤمنانش می‌دهد غیر قابل خدشه و نفوذناپذیر است «**يَنْصُرَكَ اللَّهُ نَصْراً عَزيزاً**» (فتح: ۷).

در قرآن کریم همراهی نصرت با ثبات قدم که روشن ترین مصداق و نتیجه نصرت است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۴۶/۱۷ - ۳۴۷) عامل غلبه و عزتمندی در مصاف با کفار بیان می‌شود. ثبات ملکه‌ای که موجب استحکام ایمان و رسوخ در قلب شده و اثر آن پایداری دراعمال است (مظاهری، ۱۳۸۳: ۵۱۲/۲). «**ثَبِّتْ أَقْدامَنا وَ انْصُرْنا عَلَى الْقَوْمِ الْكافِرين**» (بقره:۲۵۰).

«**هُوَ الَّذى أَنْزَلَ السَّكينَةَ**» (فتح: ۴) «سکینه» ثبات و آرامشی است که خداوند با نصرت به مؤمنان ارزانی داشته و مراد اطمینان به عقائدی است که به آن ایمان آورده‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۸۶/۱۸) خداوند آرامش را در قلوب بالا برده و در نتیجه راه غلبه بر دشمنان هموار می‌شود. «**لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ...*ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكينَتَهُ**» (توبه/ ۲۵ - ۲۶).

«**وَ لا تَهِنُوا وَ لا تَحْزَنُوا**» (آل عمران: ۱۳۹) ثبات و عزت «**أَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ**» ملازم یکدیگرند. «**انتم الاعلون**» یا به این معنا است که شما در میدان پیکار پیروزید یا جایگاه شما از کفار برتر است و یا اینکه عاقبت برای متقین است و کفار سرانجامی جز نابودی ندارند (آلوسی، ۱۴۱۵: ۲۸۱/۲). مسلمین که در احد پس از شکست اندوهگین شدند خداوند آنان را دلداری داده تا در سایه ایمان و طلب بخشش همچون اقوام گذشته بتوانند ثبات و نصرت الهی را دریافت کنند (آل عمران: ۱۴۷).

ایمان به تحقق وعده الهی موتور محرک جامعه اسلامی در دراه عزت و پیشرفت بوده هر چند در این مسیر دچار شکست موقتی شود اما هیچ گاه از تحقق نصرت الهی نا امید نخواهند شد «**وَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُه إِنَّ اللَّهَ لَقَوِی عَزِيز**» (حج: ۴۰). همراهی لام قسم و نون تأکید ثقیله نشان از حتمی بودن یاری خداوند است و این قطعیت به پشتوانه علتی است که در انتهای آیه آمده است خدا توانایی است که احدی او را ضعیف نمی‌کند و عزیزی است که احدی به ساحت او تجاوز نمی‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۴/ ۵۴۶).

امام خمینی نصرت را که با یاری به دین ایجاد می‌شود عامل غلبه می‌دانند «نصرت اسلام، نصرت خداست هیچ کس هم به ما نمی‌تواند غلبه کند» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۹/ ۲۰۹). ایشان پیروزی در عرصه‌های جنگ تحمیلی را نمونه بارز دستگیری خداوند به شمار می‌آورند «این هدیه الهی تحقق وعده «**إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يُثَبِّتْ أَقْدامَكُم**» است» (همان: ۲۰/ ۵۰۱).

مقام معظم رهبری سرانجام عزتمندانه مؤمنان که با نصرت الهی همراه بوده یادآور می‌شوند: «دشمنان ما مرکز قدرت بودند. بعد چهل سال، آنها ضعیف‌ترند، ما قوی‌تر. اگر شما با خدا باشید: **اِن تَنصُرُوا اللهَ يَنصُرکُم وَ يُثَبِّت اَقدامَکُم**» (بیانات در دیدار مداحان ۹۷/۱۲/۷).

نصرت سنت حتمی الهی است و تبدیل و تحویل در آن راه ندارد. «تبدیل» جابه جایی عافیت با عذاب و«تحویل» برگرداندن عذاب از قومی به قوم دیگر است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۷/ ۸۳) نصرت سنت قطعی صابران مقاوم است.

۳. تقویت و قدرت‌بخشی

انسان توانمند در جامعه باید قدرت به فعلیت رساندن توانایی خود را داشته باشد. عزت و قدرت هر چند از لحاظ معنای بسیار به هم نزدیک هستند اما عزتمندی فراگیرتر از قدرت‌های ظاهری دنیوی است. قدرتمندان ممکن است با سرسپردگی به اجانب خود را خوار و ذلیل کنند. قدرت باید با عزت توأم باشد تا وعده الهی به تحقق برسد. عرصه‌های قدرت که عزت را به دنبال دارد عبارتند از:

• قدرت نظامی: «**وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّة**» (انفال: ۶۰) آمادگی نظامی عامل بازدارندگی و مانع جنگ است: «و اعدّوا لهم ...» آمادگی شما دشمن را بیمناک می‌کند از حمله به شما» . به همین علت از نظر وجوب و اهمیت در حکم جهاد است (سید قطب، ۱۴۱۲: ۱۵۴۳/۳) دعایی که امام زین العابدین علیه‌السلام برای تقویت جنگ افزارهای نظامی کردند نشان از اهمیت این بعد از قدرت مسلمین دارد «**وَاشْحَذْ اَسْلِحَتَهُمْ**» (امام سجاد علیه‌السلام، ۱۳۸۳: ۱۰۲).

• قدرت مالی: خدیجه علیهاالسلام با مالش، به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله یاری رساند «**وَ وَجَدَكَ عائِلاً فَأَغْنى**» (ضحی: ۸) خداوند تو را فقیر یافت پس به وسیله مال خدیجه توانگرت نمود (ابن بابویه، بی‌تا: ۴۴۵/۱) اگر مسلمین اقتصاد قوی داشته باشند تن به معاهدات ننگین نمی‌دهند که به خاک سیاه بنشینند (نساء: ۱۴۱) رهبر انقلاب بارها بر رونق تولید و اقتصاد مقاومتی برای استقلال و رهایی از ذلت مقابل کفار تأکید کرده‌اند «اینکه من روی رونق تولید و اقتصاد مقاومتی تکیه می‌کنم برای این است که ملّت به عزّت و استغناء از بیگانگان نیاز دارد» (بیانات در دیدار کارگران ۹۸/۲/۴).

• قدرت کلام: «**إِلَيهِ يصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيب**» (فاطر/۱۰) سخنی که با نفس شنونده و گوینده سازگار باشد، به طوری که از شنیدن آن انبساط و لذتی در او پیدا شود، و نیز کمالی را که نداشت دارا گردد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۹/۱۷). کلام قوی قلوب افراد را نرم و سبب جذب آنها می‌شود تا در رسیدن به هدف یاور انسان باشند با قدرت کلام باید افراد را برای ورود به این راه قانع کرد «به ایمان خود پایبند باشید؛ با هر کسی هم که از لحاظ ایمان دینی با شما مخالف است، بحث بکنید و جادلهم بالّتی هی احسن» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان ۱۳۸۵/۰۳/۲)

سرعت دسترسی به مؤلفه‌های قدرت با قدرتمندی در عرصه دانش و فناوری نمود عینی‌تری خواهد داشت. خداوند متعال وصول به مقامات عالی عزتمندی را برای طالب علم تضمین کرده است «**يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجات**» (مجادله: ۱۱). ما می‌توانیم با تولید علم (بیانات مقام معظم رهبری در مراسم بیستمین سالگرد رحلت امام خمینی﵀ ۸۸/۳/۱۴) با توجه به منابع روایی و قرآنی از علوم غربی پیشی بگیریم و مرجع علمی کشورهای دیگر باشیم و به عزت دست یابیم (بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری ۹۴/۱۲/۲۰).

موانع عزت

موانع و آفات عزت فردی و اجتماع باید شناسایی و درجه بندی شود گاه می‌توان این عوامل را با تبعات خفت بار آن مشاهده کرد.

موانع فردی عزت

موانع همواره بر سرراه عوامل عزت آفرین در درجات متفاوت قابل پیگیری است. این آسیب‌ها در حوزه فردی، نتایج ضعیف تری نسبت به حوزه اجتماعی دارد. در هر حال آفات فردی در سطح جامعه مقدمه تأثیرگذاری است. به طور کلی نمی‌توان آفات فردی را منحصر در افراد مشاهده کرد، در هر حال بعد از تأثیرگذاری بر فرد بر جامعه سایه خواهند افکند. سنت‌های الهی در جوامع بشری نشان می‌دهد که افراد خوار و ذلیل طعمه مستکبران قرار گرفتند و تن به هر خفتی دادند «فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَأَطاعُوهُ إِنَّهُمْ كانُوا قَوْماً فاسِقين» (زخرف/۵۴).

۱. توجه به غیر خدا

فطرت در پی عبودیت است و با دوری از هدایت الهی به سوی مصادیق غیر واقعی می‌رود، بیشترین مبارزات انبیا با صاحبان قدرت در موضع بندگی خدا بوده است (نحل: ۳۶) (سلطانی، ۱۳۹۵: ۱۵) این آسیب ابتدا تفکر توحیدی را نشانه رفته و با تخریب در این زمینه به دیگر اهداف خود می‌رسد.

«**وَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لِيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا**» (مریم: ۸۱) خداوند از کفاری خبر می‌دهد که غیر خدا را می‌پرستند تا عزیز شوند حال آنکه راه ذلت را پیموده و خدا بر آنها خشم می‌گیرد و ذلیلشان می‌کند (طوسی، بی‌تا: ۷/ ۱۴۸).

توجه و تکیه بر غیر خدا در دوران ما با سرسپردگی به مظاهر سلطه پدیدار می‌شود. «عصری که سران کفر موجودیت توحید را به خطر انداخته‌اند بت‌پرستی وجود ندارد و کدام انسان از سلطه بتخانه‌های کاخ سیاه بر ممالک اسلامی خبر ندارد» (امام خمینی ۱۳۷۸: ۱۶/ ۳۱۷).

مقام معظم رهبری بت‌پرستی مدرن را این‌گونه بیان می‌کنند: «انسان مقابل یک جسم خضوع می‌کند این تحقیر است در زندگی مدرن عبودیت نظامهای ساخته بشر است این هم نوعی از عبادت غیرخداست «فلا تجعلوا لله انداداً» (بقره:۲۲) حتی در نظام الهی اگر اسیر شهوات بشوند، این هم اطاعت غیرخدا است» (بیانات در جلسه تفسیر سوره بقره ۱۳۷۱/۱۰/۲۶).

۲. توهم عزت

ضعیف آفرینی، تسخیر روح و روان افراد در جهت توهم آفرینی است. خود بزرگ‌بینی یا توهم عزیز بودن او را در کنار حق ستیزان قرار می‌دهد. قرآن در مورد این افراد هم لفظ عزت را به کار برده است: «**أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ**» (بقره: ۲۰۶)؛ «**بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي عِزَّةٍ وَ شِقَاقٍ**» (ص: ۲). «عزت در اینجا چیزی است که سبب دوری از پذیرش حق می‌شود» (آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۲/ ۱۵۷).

انسان که از حق رویگردان شد به سمت باطل می‌رود و باطل جز زوال و تباهی و ذلت نیست «**اِنَّ الباطِلَ كانَ زَهُوقًا**؛ اینها باطلند و قطعاً دچار زوال بدبختی خواهند شد» (بیانات در محفل انس با قرآن، ۹۶/۶/۳).

۳. غرور

یکی دیگر از تخریب‌ها در کنار آن توهم آفرینی، مغرور سازی است، زیرا به هر دلیلی این افراد نباید نسبت به خود بینا باشند و گرنه احساس ضعف آنان را به تأمل وا خواهد داشت. احساس غرور و خود بزرگ بینی، گناهی است که فرد را به نخوت و بالاتر از غرور معمولی

می‌رساند او دیگر حق را نمی‌بیند و نمی‌شنود و دچار عزت کاذب می‌شود «**سَأَصْرِفُ عَنْ آياتِيَ الَّذينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيرِ الْحَقِّ وَ إِنْ يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ لا يُؤْمِنُوا بِها وَ إِنْ يَرَوْا سَبيلَ الرُّشْدِ لا يَتَّخِذُوهُ سَبيلاً وَ إِنْ يَرَوْا سَبيلَ الغَيِّ يَتَّخِذُوهُ سَبيلاً ذلِكَ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآياتِنا وَ كانُوا عَنْها غافِلينَ**» (اعراف: ۱۴۶) بی‌خبر از اینکه عزت مطلق از آن خداست. این عزت اصلاً عزت نیست (رازی، ۱۴۲۳: ۲/ ۱۴۵ - ۱۴۶).

گاهی غرور ناشی از جهل است. منافقین جاهل از جایگاهشان، خود را برتر از مسلمین دانسته و قصد بیرون راندن آنان را داشتند «**يَقُولُونَ ... لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ**» (منافقون: ۸).

ثروت و دارایی یکی دیگر از ابزارهای غرور است. آیه ۳۴ کهف مجادله کافری است که به مالش تفاخر کرده و با تحقیر فرد مسلمان زیر بار سخن حق او نمی‌رود «**أَنَا أَكْثَرُ مِنْكَ مالاً وَ أَعَزُّ نَفَراً**».

امام خمینی غرور را مبدأ شکست و تباهی می‌داند: «اگر کارها با خودخواهی و غرور همراه شود مبدأ شکست انسان است» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۲۱/۱۹).

غرور خوی مستکبران است. در معنای استکبار، برتری‌خواهی (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۱۰/ ۱۷ - ۱۸) و خود بزرگ‌بینی دروغین (طریحی، ۱۳۷۹: ۴/ ۹) آمده است. مستکبران با غرور خود و جوامع زیر دستشان را به مذلت می‌کشانند (غافر/ ۴۷).

مستکبران زودتر از آنچه گمان می‌کنند ذلیل‌ترین انسان‌های عالم می‌شوند: «از سال ۴۲ که حکومت مستکبران به اوج رسیدو می‌رفت تا أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلى از حلقوم فرعون طنین افکند، تا ۵۷ که پایهٔ جباران فرو ریخت، ایامی بیش نبو.» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۷/ ۴۸۰).

ترسویانی با عزت پوشالی همواره از عزت حقیقی خدا و مؤمنانش در وحشتند «آنان از بازگشت ملت‌ها به گذشته‌یی که عزت را یادآوری کند وللّه العزّة ولرسوله وللمؤمنین و دست طواغیت مستکبر را از زندگی آنان قطع کند، بیمناکند» (پیام به کنگره حج، ۷۰/۳/۲۶).

غرور مستکبران با ظلمشان دوامی ندارد و به ذلت در دنیا و خسرانشان در آخرت می‌انجامد. عاد و ثمود و فرعونیانی که با سرکشی در برابر انبیاء مشمول سنت اهلاک و ادمار شدند (غافر/۳۵)و تنها نامی از آنان برای عبرت باقی ماند (قصص: ۴۰).

۴. تعصب

به نظر می‌رسد بعد از خود بزرگ بینی و غرور، فرد باید ماندگاری در منجلاب استکبار را تجربه کند لذا تعصب پا به عرصه وجود می‌گذارد. او باید حمایت و پشتیبانی خود را از این مواضع اعلام کند. در این حمایت ها، ستیز با حق در آیات مربوط به اقوام غوغا می‌کند مانند زمانی که کفار، شعیب را آزردند و برای رهایی او گفتند: قوم تو که از دین ما هستند برای ما عزیز است (هود/ ۹۱). شعیب در پاسخ گفت: آیا احترام عشیره من زیادتر از احترام خداست که به خاطر آنها دست از آزار من برداشته اما از خدایی که مرا به سوی شما مبعوث داشته ملاحظه‌ای ندارید (طبرسی، بی‌تا: ۱۲/ ۱۱۴).

تعصب مانع اصلی معرفت و شناخت می‌شود و در این مسیر کورکورانه به دامی دیگر می‌افتد یعنی پیروی چشم و گوش بسته، در کلام بنیان‌گذار انقلاب اسلامی بر تقوا تأکید می‌شود چون با این عنصر، هرچه که خود بزرگ‌بینی و برتری‌جویی است رخت برمی‌بندد «اسلام مرزهایی که در سایر مسلک‌ها هست ندارد. آنی که پیش خدا کرامت دارد، مُتقی است» (امام خمینی، ۱۳۶۸: ۲۹۱/۱۰).

مقام معظم رهبری ایمان آگاهانه را مقابل ایمان مقلدانه و کوکورانه ضامن سعادت می‌دانند: «ایمان مقلدانه قیمتی ندارد. ایمان روی تعصب، زائل شدنش آسان است. ایمان آگاهانه توأم با درک و شعور است» (بیانات در مسجد امام حسن علیه السلام در مشهد، ۵۳/۶/۳۰). آنها که بدون اعتقاد و کورکورانه ایمان می‌آورند، مقابل شبهات ایمانشان زائل و و راه ارتداد و سرگردانی را می‌پیمایند (نساء: ۱۳۷).

موانع اجتماعی عزت

بعد از موانع فردی، حوزه موانع اجتماعی خود را نشان می‌دهد و جامعه در حد کلان به این بیماری مبتلا می‌شود. تبعات این ابتلا جبران‌ناپذیرتر از تبعات فردی است.

۱. پذیرش ولایت کفار

مهم‌ترین درجه این انحراف در سرسپردگی به کفار خود را به ظهور می‌رساند. آنان که به

سیطره این ولایت در آمده‌اند خود را کامل تقدیم کفار می‌کنند و آنان در جهت منافع‌آفرینی خود به منابع این جوامع تسلط پیدا می‌کنند که نمونه‌های فراوانی در عصر ما وجود دارد.

«**الَّذینَ یتَّخِذُونَ الْکافِرینَ أَوْلِیاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنینَ أَ یبْتَغُونَ عِنْدَهُمُ العزّه**» (همان: ۱۳۹) آیه اثبات ذلت برای کافرینی است که منافقین آنها را سرپرست خود گرفته‌اند (طبری، ۱۴۱۲: ۲۱۱/۵؛ طوسی، بی‌تا: ۵/ ۵۳۸) ذلت کافران سبب تباهی منافقین است که عزت را در دنیا دانسته و بی‌راهه می‌روند که به همان آرامش کاذب دنیوی هم نمی‌رسند.

امام راحل خطاب به این افراد می‌فرمایند: «چرا خودتان را ذلیل می‌کنید خداوند می‌فرماید: عزت برای مؤمنین است» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۵۰/۱۱).

این خودباختگی در میان سران کشورهای اسلامی عواقب ذلت بار وسیع‌تری دارد: «در دنیای اسلام یک عدّه انسان‌های نالایق سرنوشت برخی جوامع اسلامی را دست گرفته‌اند قرآن می‌گوید **اَشِدّآءُ عَلَی الکُفّارِ رُحَمآءُ بَینَهُم**، اینها اشدّاء علی المؤمنین، رحماء مع الکفّار هستند. پول‌های مردم را تقدیم می‌کنند به کفّار **وَ اتَّخَذوا مِن دونِ اللهِ ءالِهَةً لِیَکونوا لَهُم عِزًّا** خیال می‌کنند می‌توانند صمیمیّت دشمنان را جلب کنند» (بیانات در محفل قرآن، ۹۶/۳/۶).

۲. اختلاف‌افکنی

یکی دیگر از حربه‌های طواغیت، بهره‌برداری از تفرقه‌افکنی برای رسیدن به اهداف خود است، بسیار هزینه می‌کنند تا بر ضعفای جامعه تسلط یابند.

«**بَلِ الَّذینَ کَفَرُوا فی عِزَّةٍ وَ شِقاق**» (ص: ۲). «شِقاق» در لغت به معنای خلاف است (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۵/ ۷؛ ابن فارس، ۱۳۹۹: ۱۷۱/۳) و هنگامی که جماعتی شکافته و متفرق شود به کار می‌رود (راغب، ۱۳۷۳: ۲/ ۳۳۹). به کفار قدرت داده شد تا به طاعت بپردازند اما آنها در جهت ایجاد اختلاف با پیامبر الهی برآمدند (طبری، ۱۴۱۲: ۷/ ۴۴) حال که خود در شکاف عمیق فرو خواهند رفت (بقره: ۱۷۶).

امام راحل اختلاف را عامل سلب قدرت و عزت می‌دانند: «اختلاف و نزاع، شما را به

شکست می‌کشد و قدرت را از شما سلب می‌کند، **وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللهِ جَمِيعاً وَلاَ تَفَرَّقُوا**» (آل عمران: ۱۰۳) (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۳۰۸/۳).

دشمنان اسلام در سال‌های اخیر از جبهه مقاومت ضربات سنگینی خوردند و برای رهایی از این مهلکه اختلاف بین مسلمین را دستاویز قرار دادند. آنان با تفرقه میان مذاهب مانند شیعه و سنی درصدد از پادرآوردن مسلمین به دست خودشان هستند: «استعماری که سعی می‌کردند بین شیعه و سنّی اختلاف ایجاد کنند، امروز هم تلاش می‌کنند کینه و برادرکشی و اختلاف به‌وجود آورند.» (بیانات در دیدار مردم زاهدان ۱۳۸۱/۱۲/۲). اختلاف و نزاعی که جز خسران و ذلت چیزی برای امت اسلام باقی نخواهد گذاشت «وقتی تنازع کردید، فشل به وجود می‌آید؛ فشل یعنی سستی. «وَ تَذهَبَ رِیحُکُم» یعنی تَذهَبَ عِزّکم؛ اختلاف که پیدا کردید، ذلیل می‌شوی.» (بیانات در دیدار مسئولان و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی ۱۴۰۱/۷/۲۲).

۳. درگیری

از دیگر اسباب در جهت مبارزه با عزتمندی، ایجاد درگیری است زیرا قدرت و قوت را سلب می‌کند و جوامع را به ضعف و سستی می‌کشاند.

«**إِنَّ الْمُلُوكَ إِذا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوها وَ جَعَلُوا أَعِزَّةَ أَهْلِها أَذِلَّة**» (نمل: ۳۴). سلیمان با مسالمت از ملکه سبأ دعوت به خداپرستی کرد، بزرگان سبأ با تکیه بر قدرت نظامی میل به جنگ داشتند (همان: ۳۳) بلقیس رو به فرماندهانش گفت: اگر با او بجنگیم، خود و سپاهیان را هلاک می‌کنیم (همان: ۳۴). ابن عباس در مورد این بخش از آیه می‌گوید: زمانی که خشونت وارد شود آن جا را به تباهی می‌کشاند «**وَ جَعَلُوا أَعِزَّةَ أَهْلِها أَذِلَّة**» با کشتار و اسارت فرماندهان و سپاهیان، به خواری و پستی می‌رسند (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۱۷۱/۶).

این درگیری‌ها در سطوح بالاتر منجر به جنگ‌های خانمان‌سوزی می‌شود که ملت‌ها را دچار قحطی گسترده می‌کند: «در این جنگ دوم ایران قحطی شد؛ یک چیزی بود سیاه» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۲۷/۱۷).

مقام معظم رهبری عواقب فجیع جنگ را این‌گونه ترسیم می‌کنند: «ملت غالب، ملت

مغلوب را می‌فشرد؛ غرورش را نابود می‌کند، افتخاراتش را محو می‌کند» (بیانات در دیدار نخبگان علمی، ۱۳۹۰/۷/۱۳).

رابطه جهاد تبیین و عزتمداری

بعد از بیان موانع باید به دنبال راهکار قرآنی برای برون رفت از آسیب‌ها بود. با توجه به آموزه‌ای قرآن باید به بصیرت افزایی و تبیین جهادی روی آورد «**وَ جاهِدْهُمْ بِهِ جِهاداً کَبیراً**» (فرقان: ۵۲) امام در ارزش قلم و بیان می‌فرماید: «خطر قلم بیش از مسلسل و خطر بیان بیش از توپ و تانک است» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۳/ ۴۴۹).

انقلاب ایران بر خلاف سایر انقلاب‌ها محصول حرکت مسلحانه نیست بلکه انقلابی فرهنگی است. استکبار جهانی که نتوانست با جنگ نظامی مردم را به زانو درآورد به سوی جنگ نرم و بمباران اذهان رفت. در پاسخ به این حربه دشمن فرمان سراسری جهاد تبیین از سوی مقام معظم رهبری صادر شد. همراهی تبیین با جهاد از این جهت است که با توجه به حجم بالای حملات شناختی دشمن مقابله تنها با سخنرانی خطبا و قلم نویسندگان کفایت نمی‌کند بلکه تمام ارکان جامعه با تمام تلاش خود در زمینه‌های مختلف باید به رویارویی جنگ رسانه‌ای دشمن رفته و دست او را از جولان در افکار جامعه کوتاه کنند.

جنگ‌شناختی ابزاری است که دشمن با استفاده از روایت غلط‌آموزه‌های اسلام و دیکتاتوری رسانه‌ای می‌کوشد اذهان را با خود همسو کرده و راه را برای نفوذ به سرزمین مسلمین باز کند.

جهادگران تبیین باید با سرعت عمل و از ندادن فرصت در روایت درست نقاط عزت و قوت مسلمین را بزرگ جلوه داده و ابتکار عمل را از دشمنان بگیرند. کاری که زینب کبری‌علیهاالسلام در روایتگری انجام داد تا عظمت عاشورا دستخوش تحریف و مصادره نشود «این بزرگوار جهاد تبیین راه انداخت؛ فرصت نداد که روایت دشمن غلبه پیدا کند» (بیانات در دیدار پرستاران ۱۴۰۰/۰۹/۲۱).

تبیین دین باید با مبانی اصیل اسلامی باشد. دینی که عزت و کرامت از اصول آن است و

با دستگیری از دل‌ها آنها را از منجلاب جهل و ذلت رهایی می‌بخشد «تبلیغی که اسلام به آن امر می‌کند، وظیفه‌ای است که هم جنبه الهی دارد «لتبیّننه للنّاس و لاتکتمونه» هم انسانی؛ چون دستگیری از دل‌ها و ذهن‌هایی است که دچار شک و جهالتند» (بیانات در دیدار روحانیون، ۱۳۷۷/۰۲/۰۲).

از عرصه‌های تبیین، بیان دستاوردها و مقابله با کتمان پیشرفت‌ها است. مسئله‌ای که ایجاد امید و انگیزه در میان افراد جامعه کرده و حس عزتمداری را متبلور می‌سازد. به همین علت دشمن درصدد تحریف دستاوردهای جوامع اسلامی بوده تا امید به آینده روشن و تلاش برای تحقق آن را در جوامع نابود کند و با وابستگی آنان را به ذلت بکشاند «در کشور چقدر کارهای بزرگ انجام گرفته، اینها بایستی بیان بشود؛ اینها را دشمن کتمان می‌کند» (بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش، ۱۴۰۰/۱۱/۱۹).

با افروختن نور امید در جامعه اعتماد به نفس افراد تقویت و منشأ تحولات بنیادی می‌شوند. رهبران انقلاب اسلامی امید آفرینی در میان ملت را بر مبنای خیالات واهی نمی‌دانند چرا که زمینه‌های امید در کشور فراوان است و بر جهادگران تبیین لازم است آنها را یافته و به مردم منتقل کنند.

نتیجه

عزت به معنای تسلط و غلبه بوده و تقسیم‌بندی عوامل به فردی و اجتماعی اولین عامل کرامت است که خداوند در مقام تفضل هر کس شایسته باشد عزیز می‌کند عزتی که امام خمینی در رهایی از رژیم فاسد و خدمت به اسلام می‌دانند. مقام معظم رهبری نیز عزتمندی را تفضل خدایی می‌دانند که اسباب عالم به دست اوست.

ثمر دهی اعمال با اخلاصی است که سایه افکن سایر عوامل عزت بوده و زرهی محکم برابر شیطان است. امام خمینی اخلاص را مقوی روحیه دانسته که شکست‌ناپذیری به همراه دارد.رهبر انقلاب اخلاص را خصیصه دلاورانی چون سلیمانی می‌دانند که شجاعانه قدم در راه مبارزه نهادند.

ایمان باور قلبی است که با امید آفرینی سبب انگیزه و عزت در جامعه می‌شود. رهبران انقلاب، ایمان را سدی برابر اندوه و سستی که عامل غلبه بر دشمنان است، دانسته‌اند.

تواضع با توجه به قرآن و کلام رهبران انقلاب آگاهی بنده از جایگاهش بوده که خشوع مقابل پروردگار و فروتنی مقابل بندگان را در پی دارد که مقدمه سرسختی در مواجهه با کفار است.

در بحث عوامل اجتماعی، جهاد مقابله با کفاری است که عزت مسلمین را لگد مال می‌کنند. امام جهاد را حافظ اصول و ارزش‌ها دانسته و رهبر انقلاب آن را ایجاد کننده روحیه مقاومت در مصاف با کفار در راه پیروزی می‌دانند.

نصرت سنت حتمی الهی است که در عقبه‌های سخت با ثبات قدم راه غلبه بر دشمنان را هموار می‌کند.

تقویت و قدرت بخشی در عرصه نظامی، بازدارندگی و در عرصه مالی، استقلال و در کلام با توانایی اقناع اذهان زمینه‌ساز عزتمندی جوامع است.

در موانع فردی عزت، توجه به غیر خدا بیشترین مبارزات انبیاء را به خود اختصاص داده و در بیانات رهبران انقلاب در سرسپردگی به مظاهر قدرت نمودار می‌شود .

غرور فرد را دچار عزت کاذب کرده که به گفته امام راحل مبدأ تباهی و خوی مستکبرانی است که در کلام مقام معظم رهبری همواره از عزت مؤمنان در هراسند.

تعصب با ایمان مقلدانه زوال و سرگردانی به همراه دارد.

پذیرش ولایت کفار در زمره موانع اجتماعی دامان منافقینی را می‌گیرد که عزت را خارج از اسلام می‌دانند. انقلاب ایران به رهبری امام مبارزه برای بازگرداندن عزت به مؤمنان بود تا به گفته رهبر انقلاب سرنوشت مسلمین از چنگ نالایقان ذلیل خارج شود.

در کلام امام تفرقه حربه طواغیت است. آنان با اختلافات مذهبی سبب سستی و ذلت جوامع می‌شوند آسیبی که رهبری بارها گوشزد کرده‌اند. درگیری قوت و قدرت ملتها را سلب می‌کند. ملکه بلقیس با آگاهی از این مطلب با سلیمان وارد جنگ نشد.

جهاد تبیین راه را بر شبهات دشمن مسدود کرده و با ایجاد امید پیشرفت و عزتمندی را در پی دارد.

کتابنامه

قرآن کریم. ترجمه محمدحسین طباطبایی، قم، دفتر نشر معارف ۱۳۸۸.

صحیفه سجادیه. ترجمه محسن محمودزاده، تهران، نشر محمد، ۱۳۸۶.

آلوسی، محمد بن عبدالله، **روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی**، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.

ابن بابویه، محمد بن علی، **عیون اخبار الرضا**، تهران، انتشارت جهان، بی‌تا.

ابن فارس، احمد، **معجم مقاییس اللغه**، قم، دارالفکر ۱۳۹۹ق.

ابن کثیر، اسماعیل بن عمرو، **تفسیر القرآن العظیم**، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق.

حسینی سرشت، سید محمد صادق، عوامل کسب یقین از دیدگاه قرآن و سنت، **اخلاق**، (۱۳ و ۱۴). ۵-۴۵، ۱۳۷۸.

خامنه‌ای، سید علی، **طرح کلی اندیشه اسلامی**، انتشارات صهبا مؤسسه ایمان جهادی، ۱۳۹۶.

خمینی، روح‌الله، **شرح جنود عقل و جهل**، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۸.

ـــــــــــ، **صحیفه امام**، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸.

رازی، ابوالفتوح، حسین بن علی، **روض الجنان و روح الجنان**، مشهد، آستان قدس بنیاد پژوهش‌های اسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۸ق.

راغب اصفهانی، حسین بن احمد، **الذریعه الی مکارم الشریعه**، قم، الشریف الرضی، ۱۳۷۳.

سلطانی، محمد، **توحید ربوبی و توحید بندگی از دیدگاه عرب جاهلی و روش قرآن در برخورد با آن**، دین و دنیای معاصر، ۱۳۹۵.

سید قطب، **فی ظلال القرآن**، بیروت، دارالشروق، ۱۴۱۲ق.

طباطبایی، محمدحسین، **ترجمه تفسیر المیزان**، ترجمه محمدباقر موسوی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴.

طبرسی، فضل بن حسن، **تفسیر مجمع البیان**، ترجمه حسین نوری همدانی، تهران، فراهانی، بی‌تا.

طبری، محمد بن جریر، **جامع البیان فی تفسیر القرآن**، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۲ق.

طریحی، فخرالدین محمد، **مجمع البحرین**، تهران، جاراللهی، ۱۳۷۹ق.

طوسی، محمد بن حسن، **التبیان فی تفسیر القرآن**، بیروت، دار احیاءالتراث العربی، بی‌تا.
عجم، رفیق، **موسوعه اصطلاحات الامام الغزالی**، بیروت، مکتبه لبنان ناشرون، ۲۰۰۰.
فخر رازی، محمد بن عمر، **تفسیر کبیر**، بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۳ق.
فراهیدی، خلیل بن احمد،، **العین**، قم، دار الهجره، ۱۴۱۰ق.
فیروزآبادی، مجدالدین محمد بن یعقوب، **بصائر ذوی التمییز**، قاهره، ز لجنه لاحیاء التراث الاسلامی، ۱۴۱۲ق.
مصطفوی، حسن، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸.
مظاهری، حسین، **کاوشی نو در اخلاق اسلامی و شئون حکمت عملی**، تهران، ذکر، ۱۳۸۳.
نجفی، الشیخ محمدحسن، **جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام**، بیروت، داراحیاءالتراث العربی، ۱۳۶۲.
خامنه‌ای، سید علی، دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای www.farssi.khamenei.ir